

تحلیل اثرات همزمان آزادی اقتصادی، توسعه‌ی انسانی و آزادی سیاسی در  
کشورهای منتخب اسلامی (۲۰۰۱-۲۰۱۰)

**Analysis of the Effects of Economic Freedom, Human  
Development and Democracy in Selected Islamic Countries  
(2001-2010)**

Mohammad Ali Motafaker Azad \*, Ahmad  
Asadzadeh \*\*, Mohsen Amini Khozani \*\*\*,  
Mahmood Shirkosh \*\*\*\*

محمدعلی متفکر آزاد\*، احمد اسدزاده\*\*،  
محسن امینی خوزانی\*\*\*، محمود شیرکش\*\*\*\*

Received: 14/May/2013 Accepted: 29/Oct/2013

دریافت: ۱۳۹۲/۲/۲۴ پذیرش: ۱۳۹۲/۸/۷

**Abstract:**

Political stability and democracy, is an important characteristic of a developed political system. In fact a developed political system, with a democracy pattern, has a coordination relationship in other developed sections especially in human and economical issues.

In these countries the government provide the basis to develop other sectors by economic freedom.

This study describes economic freedom, political freedom and human development by using the simultaneous equations model investigates the effect of economic freedom, political freedom and human development on each other in selected Islamic countries.

This model is estimated in selected countries by panel data approach between the years 2001-2010.

Results show a significant positive effect of human development on economic and political freedom. In addition economic freedom and human development have a direct effect on each other. More over political freedom doesn't have any effect on human development. Finally, there is an adverse effect between economic and political freedom.

**Keywords:** Economic Freedom, Political Freedom, Human Development, Democracy, Islamic Countries.

**JEL:** O22, O21, Z13.

**چکیده:**

ثبات سیاسی و دموکراسی یکی از ویژگی‌های مهم یک نظام سیاسی توسعه یافته می‌باشد. در واقع یک نظام سیاسی توسعه یافته و برخوردار از الگوی دموکراسی دارای یک نوع رابطه‌ی هماهنگی بین دیگر بخش‌های توسعه به ویژه در زمینه‌ی اقتصادی و انسانی می‌باشد. در کشورهای برخوردار از دموکراسی، دولت با اختیارات و آزادی‌هایی که در حوزه اقتصادی فراهم می‌کند زمینه را برای توسعه‌ی دیگر بخش‌ها فراهم می‌نماید. این تحقیق ابتدا به تشریح سه مقوله آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و توسعه انسانی پرداخته، سپس با استفاده از سیستم معادلات همزمان به بررسی اثر آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و توسعه انسانی بر یکدیگر در کشورهای منتخب اسلامی می‌پردازد. این مدل با رویکرد داده‌های تابلویی به صورت همزمان برای این کشورها طی سال‌های (۲۰۰۱-۲۰۱۰) برآورد شده است. از نتایج این پژوهش می‌توان به اثر مستقیم و قابل توجه توسعه انسانی بر آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی و نیز اثر متقابل آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی و بی اثر بودن آزادی سیاسی بر توسعه انسانی و همچنین اثر معکوس آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی بر یکدیگر اشاره نمود.

**کلمات کلیدی:** آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی، توسعه‌ی انسانی، دموکراسی، کشورهای اسلامی.

**طبقه‌بندی JEL:** O22, O21, Z13.

\* استاد گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

Email: motafaker@tabrizu.ac.ir

\*\* استادیار گروه اقتصاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و بازرگانی دانشگاه تبریز

Email: assadzadeh@gmail.com

\*\*\* مربی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لنجان، اصفهان

Email: amini\_k\_m@yahoo.com

\*\*\*\* کارشناس ارشد اقتصاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد لنجان، اصفهان (نویسنده

مسئول)

Email: mshirkosh@yahoo.com

\* Professor of Economics, Tabriz University, Tabriz.

Email: motafaker@tabrizu.ac.ir

\*\* Assistant Professor of Economics, Tabriz University, Tabriz. Email: assadzadeh@gmail.com

\*\*\* Ph.D. Student, Lanjan Islamic Azad University, Esfahan.

Email: amini\_k\_m@yahoo.com

\*\*\*\* M.A. in Lanjan Islamic Azad University, Esfahan (Corresponding Author). Email: mshirkosh@yahoo.com



## مقدمه

مثبت داشته باشد و با توجه به این که این تحقیق ماهیت دوگانه با علوم سیاسی و علوم اقتصادی دارد می‌تواند در تعیین خط مطالعه در هر دو رشته به ایفای نقش پردازد لذا وجود چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به گسترش مطالعات کاربردی در رشته‌های تحصیلی مرتبط کمک نماید.

## ۱. آزادی اقتصادی

### ۱-۱. تعریف آزادی اقتصادی

مفهوم آزادی اقتصادی از قرن‌ها پیش مورد مباحثه قرار گرفته است. اما از قرن هیجدهم به بعد و ظهور عرصه‌های نوین اقتصادی، این بحث تشدید شده است. توجه به تعاریف و تفاسیر فراوانی که از آزادی وجود دارد، نشان می‌دهد آزادی به معنای وسیع آن مقوله‌ای است که دارای مفاهیمی چندان روشن و شفاف نیست ولی آزادی اقتصادی تعریف نسبتاً دقیق و روشن دارد.

آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصیشان که از طریق قانونی بدست آورده اند می‌باشد. مقصود از آزادی اقتصادی، داشتن حق اشتغال، انتخاب نوع شغل (هر چه بخواهد تولید کند یا هر خدمتی را دوست داشته باشد عرضه کند)، محل، مدت و زمان اشتغال، حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، حق افزودن بر دارایی از راه مبادلات و داد و ستد بازرگانی، حق مصرف و بهره برداری از درآمد و دارایی مطابق تمایل و اراده مالک و بالاخره حق ارث بردن و ارث گذاردن دارائی‌ها (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۱: ص ۱۴۵).

بنیاد هریتیج، آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آنجایی که آزادی به عنوان «نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به صورت «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد (جانسون و همکاران، ۲۰۰۰: ص ۱۲۱).

با نگاهی به وضعیت برنامه‌ریزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه چنین تحلیل می‌گردد که تعداد زیادی از این برنامه‌ها به دلیل عدم توجه به تأثیرات متقابل و همزمان متغیرهای کلان اقتصادی موجب بهبود وضعیت یک متغیر و اثرات منفی بر روی دیگر متغیرها گردیده و لذا آن اهداف اولیه برنامه تأمین نگردیده و در بسیاری از مواقع یا ناقص اجرا می‌گردند و یا پس از اجرای بخشی از آن برنامه در بین راه‌ها می‌شوند.

کشور ایران نیز به عنوان یک کشور در حال توسعه و با تغییرات و تحولات خاص سیاسی در سال‌های اخیر (اعم از رخداد انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) شرایط ویژه‌ای را از نظر توسعه دارا می‌باشد. وجود یک الگوی حاکمیت متمایز در بین کشورهای جهان - جمهوری اسلامی - باعث شده است که برنامه‌ریزان و مجریان برنامه‌های توسعه در کشور نتوانند همانند بسیاری کشورهای دیگر به سادگی پیروی از برنامه‌های نظام‌های توسعه‌یافته جهان مانند نظام‌های سرمایه‌داری و سوسیالیستی را الگوی خود قرار دهند بلکه برای استفاده از دستاوردهای دیگر کشورها در برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های اقتصادی باید شرایط دیگری را نیز در درون خود بسنجند لذا برنامه‌های اقتصادی در کشور زمانی می‌توانند از موفقیت لازم برخوردار باشند که به ساختار سیاسی، فرهنگی و مذهبی و کیفیت سطح زندگی کشور لطمه وارد نکنند و نیز از آن‌ها لطمه نینند. بدین جهت در بررسی شرایط سیاسی و اقتصادی کشور نتایج تأثیر همزمان برخی از متغیرها مانند آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و کیفیت سطح زندگی مربوط به کشورهای با یک جهان بینی مشترک در مباحث توسعه مهم است به نحوی که عدم توجه به تأثیرات متقابل آن‌ها منجر به عدم توفیق برنامه‌هایی حتی با پشتوانه مطلوب تئوریک می‌گردد و امکان اجرای صحیح از آن‌ها سلب می‌شوند.

هم چنین این پژوهش از جهت دیگری نیز می‌تواند حائز اهمیت باشد و آن نوع تحقیق است که در قالب مطالعه توسعه‌ای قرار می‌گیرد و از این رو می‌تواند در جهت دادن به سایر علوم مرتبط با موضوع که ماهیت کاربردی دارند تأثیر

بوده است. بدین منظور مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی در نظر گرفته شده و از سال ۱۹۹۴ این معیار برای درجه‌بندی کشورهای مختلف در انتشار سالانه شاخص آزادی اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. تهیه‌کنندگان این شاخص معتقدند این شاخص تنها فهرست تجربی امتیازات نبوده بلکه تحلیلی دقیق از عواملی است که بیشترین نقش را در نهادینه کردن رشد اقتصادی دارند و بسیاری از نظریه‌های موجود درباره ریشه‌ها و عوامل توسعه اقتصادی در نتایج مطالعه لحاظ شده‌اند. برای مثال در گزارش سال ۱۹۹۹ آمده است که کشورهایی که بیشترین آزادی اقتصادی را دارند، با داشتن بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی بلندمدت موفق‌تر از دیگر کشورها عمل کرده‌اند. همچنین این گزارش عامل اصلی فقر منطقه صحرای آفریقا را نبود آزادی اقتصادی می‌داند که در بطن سیاست‌های به کار رفته در این کشورها نهفته است. تهیه‌کنندگان این شاخص اندازه آن را بر اساس مقادیر ۵۰ متغیر مستقل اقتصادی که در ۱۰ طبقه اصلی تقسیم شده‌اند، تعیین نموده‌اند.

مقیاس درجه‌بندی میزان آزادی اقتصادی در کشورها از نظر شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج: (گزارش سالانه آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، ۲۰۰۸: ص ۱۵۲).  
شاخص بنیاد هریتیج از ۱ تا ۱۰۰ کشورها را رتبه بندی کرده است:

رتبه	کشور از لحاظ اقتصادی
بالاتر از ۸۰	آزاد
بین ۷۰ تا ۸۰	نسبتاً آزاد
بین ۶۰ تا ۷۰	میان
بین ۵۰ تا ۶۰	غیر آزاد
کمتر از ۵۰	سرکوب شده

## ۲. دموکراسی و آزادی سیاسی

### ۲-۱. مفهوم دموکراسی

دموکراسی از واژه یونانی *Demokratia* گرفته شده است که خود ترکیبی از *Demos* به معنی مردم و *Keratin* به مفهوم حکومت کردن است و دموکراسی یعنی حکومت به وسیله مردم یا حکومت مردم بر مردم؛ که مبتنی بر انتخاب اکثریت

گارتنی و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۰۵: ص ۱)، آزادی اقتصادی را این گونه تعریف می‌نمایند: «افراد دارای آزادی اقتصادی خواهند بود اگر دارایی که کسب می‌کنند بدون استفاده از زور، تقلب و یا سرقت باشد و هم‌چنین در برابر تجاوز دیگران حفظ گردد. افراد آزادند که دارایی‌هایشان را استفاده، مبادله و یا نگهداری نمایند بدون آنکه موجب تضعیف حقوق دیگران گردد».

بیچ و دریسکول (۲۰۰۲: ص ۶۵)<sup>۲</sup> در تعریف دیگری آزادی اقتصادی را به چهار جزء اصلی تقسیم می‌کنند:

- حقوق مرتبط با دارایی که به صورت قانونی کسب شده‌اند، تأمین گردد.
- شرکت در مبادلات داوطلبانه در داخل و خارج از مرزهای کشور، آزاد باشد.
- در حیطه مبادلات افراد، کنترل‌های دولتی صورت نگیرد.
- دارایی‌های افراد از مصادره دولتی در امان باشند.

تعاریف ارائه شده در بالا نشان می‌دهد ارتباط نزدیکی میان آن‌ها وجود دارد. گارتنی آزادی اقتصادی را از جانب افراد یا تقاضاکنندگان آزادی تعریف می‌کند، اما در تعریف بنیاد هریتیج بر محدودکنندگان آزادی یعنی دولت تأکید شده است و در تعریف بیچ و دریسکول تقریباً هر دو دیدگاه در هم ادغام می‌شود.

برای محاسبه آزادی اقتصادی و درجه‌بندی کشورها از نظر آزادی اقتصادی دو شاخص ارائه گردیده است. این شاخص‌ها شامل شاخص بنیاد هریتیج<sup>۳</sup> و شاخص مؤسسه فریزر<sup>۴</sup> می‌باشند که با توجه به این که آمارهای این کشورها در دوره مورد نظر در هریتیج کامل‌تر می‌باشد، از آمار این بنیاد استفاده می‌گردد.

### ۲-۱. شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج

شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. هدف از معرفی آن بسط یک شاخص برای اندازه‌گیری تجربی سطح آزادی اقتصادی در کشورهای جهان

1. Gwartney et al.  
2. Beach & Driscoll  
3. Heritage Foundation  
4. Fraser Institute



مردم است و شرط اصلی تحقق دموکراسی رعایت برابری همه افراد است؛ به عبارت دیگر لازمه دموکراسی، تساوی نسبی کلیه شرکت کنندگان است که شرط اصلی آن وجود حداقل تمایز اقتصادی و اجتماعی است (هلد، ۲۰۰۵: ص ۳۱). از همین رو، معنای دیگر دموکراسی در زبان عام امروز، آزادی سیاسی می‌باشد. لازم به ذکر است که در این پژوهش به علت کمبود داده‌ها و اطلاعات از شاخص آزادی سیاسی به جای شاخص دموکراسی استفاده شده است.

## ۲-۲. شاخص آزادی سیاسی خانه‌ی آزادی

اولین بررسی‌های خانه آزادی در دهه ۱۹۵۰ و تحت عنوان ترانزنامه آزادی شروع شد. این گزارش مختصر ارزیابی‌هایی را از آزادی سیاسی و به طور ضمنی از آزادی‌های فردی ارائه می‌کرد. از ۱۹۷۲ این مؤسسه انتشار گزارش‌های جامع‌تری را به طور سالانه، تحت نام آزادی در جهان آغاز کرد. گاستیل، متخصص مطالعات منطقه‌ای، روش کار را گسترش بخشید؛ به نحوی که رتبه‌هایی را که شاخصی از حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی بود به کشورها اختصاص داد و آن‌ها را در سه گروه آزاد، نسبتاً آزاد و غیرآزاد طبقه بندی کرد. نتایج این مطالعات هر ساله در دو ماهنامه خانه آزادی به نام «آزادی مورد بحث» که بعداً مروری بر آزادی نام گرفت، انتشار می‌یافت. اولین ارزیابی منتشره در قالب کتاب در ۱۹۷۸ توسط گاستیل ارائه گردید که تا ۱۹۸۹ که گروه بزرگ‌تری از تحلیل‌گران مؤسسه برای ارزیابی تشکیل شد، ادامه یافته است. ویرایش‌های بعدی این گزارش از جمله نسخه‌های ۲۰۰۵، از همین رویه پیروی کرده‌اند.

میانگین نمرات داده شده خانه آزادی از ۱ تا ۷ می‌باشد بدین صورت که ۱ بالاترین و ۷ پایین‌ترین سطح آزادی را نمایندگی می‌کند. میانگین هر جفت از رتبه‌های حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی، مبین موقعیت کلی کشورها است؛ کشورهای دارای میانگین «۱ تا ۲/۵» در دسته آزاد، میانگین «۳ تا ۵» در گروه نسبتاً آزاد و میانگین «۵/۵ تا ۷» در رده غیر آزاد قرار می‌گیرند (گزارش سالانه خانه آزادی، ۲۰۰۴: ص ۱۴).

است. پریکلس حاکم معروف آتنی می‌گفت: «حکومت ما دموکراسی نامیده می‌شود زیرا که اداره آن در دست بسیار است نه در کف اندک.» (کوهن، ۱۳۷۸: ص ۶۸). ارسطو نیز پس از تبیین چندین نوع دموکراسی همین مفهوم را تأیید می‌کرد و در عصر اخیر نیز جمله مشهور آبراهام لینکلن دموکراسی را «حکومت مردم، به وسیله مردم و برای مردم» تعریف کرده است. گفته شده است واژه دموکراسی در قرون اخیر نخستین بار در اساس نامه مستعمره آمریکایی «ردایلند» در سال ۱۶۴۱ میلادی بکار رفته است و پس از آن در بریتانیا از آن یاد شده است (قادری، ۱۳۷۹: ص ۱۷). البته در کتاب چند جلدی دایرةالمعارف دموکراسی نوزده سند پیوست شده است که نشان می‌دهد دموکراسی تاریخی بیش از ۲۵۰۰ سال دارد. اگر چه، در طول تاریخ، علی‌رغم خاستگاه ثابت، دموکراسی که متعارض با قدرت متمرکز غیر انتخابی بوده است، به عنوان پدیده‌ای برای حاکمیت آزاد مردم بر مردم تغییر و تحول بسیار داشته است (پریس، ۱۳۸۳: ص ۶۹).

دموکراسی در مفهوم خود بیان کننده این آرمان است که تصمیم‌هایی که بر اجتماعی به عنوان یک مجموعه اثر می‌گذارند، باید با نظر کلیه افراد آن اجتماع گرفته شوند و همچنین کلیه اعضا باید از حق برابر برای شرکت در تصمیم‌گیری برخوردار باشند. به عبارت دیگر، وجود دموکراسی مستلزم دو اصل کلی نظارت همگانی بر تصمیم‌گیری جمعی و داشتن حق برابر در اعمال این نظارت می‌باشد. (بیتهام و بویل، ۱۳۸۴: ص ۱۸۱).

البته جهت اعمال این نظارت همگانی از طریق انتخاب نماینده گفته می‌شود، با توجه به اصل نمایندگی، روش دموکراتیک عبارت است از نظم نهادینه شده برای اتخاذ تصمیم‌های سیاسی که با مشارکت مردم برای تصمیم‌گیری درباره امور خود و جامعه از طریق انتخاب افراد با صلاحیت به نمایندگی از خود، تحقق می‌یابد (شفیعی‌فر، ۱۳۸۴: ص ۶۲)؛ و در این رابطه گوهر دموکراسی همانا مشارکت اعضای اجتماع در حکومت است و در دموکراسی فرمانروایان در خدمت جامعه و در پی گسترش رفاه و برابری در امکانات اجتماعی هستند. از همین لحاظ هدف دموکراسی برخورد یکسان با همه

### ۳. توسعه انسانی

#### ۱-۳. مفهوم توسعه انسانی

در امتداد دگرگونی و تفاوت در مفاهیم توسعه، نماگرها و شاخص‌های اندازه‌گیری نیز دست‌خوش تحول و تکامل گردیده‌اند. چنان‌که تا سال‌های قبل از ۱۹۵۰ الی ۱۹۶۰ عمده شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه رویکرد کمی دارند و در همین سال‌هاست که توسعه بیشتر یک تحول و تغییر کمی ارزیابی می‌گردد و تفاوت فاحش و ویژه‌ای میان دو مفهوم رشد و توسعه در ادبیات اقتصادی مطرح نیست. مهم‌ترین شاخص‌های اندازه‌گیری میزان توسعه در این سال‌ها: تولید ناخالص ملی (GNP)<sup>۱</sup>، تولید ناخالص داخلی (GDP)<sup>۲</sup>، تولید خالص داخلی (NDP)<sup>۳</sup>، تولید خالص ملی (NNP)<sup>۴</sup> و درآمد ملی (NI)<sup>۵</sup> هستند. با وجود انتقادات و ایرادات متعددی مانند عدم توجه به چگونگی توزیع درآمد و شکاف طبقاتی، احتساب مضاعف، مشخص نبودن نوع تخصص به کار رفته در تولید، تولید ناشی از فروش ثروت یا فعالیت‌های مولد، مسائل و مشکلات حسابداری ملی و غیره، هم‌چنان این‌گونه شاخص‌ها مورد استفاده هستند. البته تعدیلات و تغییراتی در آن‌ها به منظور افزایش توانایی در اندازه‌گیری ایجاد شده است، مانند تبدیل شاخص‌ها از حالت ملی به صورت سرانه و تبدیل شاخص‌های اسمی به شاخص‌های واقعی. در نهایت می‌توان از شاخصی مانند «تولید سرانه واقعی» نام برد که تا حدودی دارای بعضی از ایرادات شاخص‌های قبلی نیست.

در ادامه شاخص دیگری نیز مورد استفاده قرار گرفت، به نام «شاخص کیفیت فیزیکی زندگی» (P.Q.L.I)<sup>۶</sup> که به وسیله «موریس»<sup>۷</sup> مطرح گردید. در این شاخص محقق با اجزاء محدودی در حد سه عنصر روبرو است. عناصر اصلی این شاخص عبارتند از: امید به زندگی، مرگ و میر نوزادان و نرخ باسوادگی. در شاخص ترکیبی موریس برای هر سه عنصر ضریب و وزن برابر در نظر گرفته شده است.

در سال ۱۹۹۰ نخستین گزارش توسعه انسانی توسط UNDP<sup>۸</sup> (برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد) به منظور اندازه‌گیری توسعه ارائه گردید. این گزارش اصولاً برای شفاف نمودن نقاط قوت و ضعف کشورهای در حال توسعه و برای استفاده برنامه‌ریزان، دولت‌مردان و محققان بود. شاخص معرفی شده در این گزارش عبارت بود از شاخص توسعه انسانی (HDI)<sup>۹</sup> که روش جدیدی بر اساس شاخص‌های ترکیبی برای اندازه‌گیری وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورها می‌باشد. این شاخص از طریق تلفیق نماگرهای امید به زندگی، میزان تحصیلات و سطح درآمد به صورت یک شاخص مرکب توسعه انسانی از سال ۱۹۹۰ به بعد مورد استفاده قرار گرفت. از آن زمان تا به حال تغییرات و تحولات مورد توجهی در نماگرهای شاخص HDI ایجاد شده است تا هر چه بهتر و دقیق‌تر بتواند وضعیت واقعی کشورها را از ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشخص سازد. بر اساس گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۵، توسعه انسانی فرایندی است که دامنه حق انتخاب از سوی مردم را گسترده‌تر می‌سازد. در واقع این انتخاب‌ها، یا گزینه‌ها پایانی ندارد و می‌تواند در طول زمان، دست‌خوش تغییر و تحول شود. گزارش مذکور، توسعه انسانی را دارای دو جنبه می‌داند، یکی شکل‌گیری توانمندی‌های انسانی، نظیر افزایش سطح سلامت، دانش و مهارت، و دیگری، به کارگیری این توانمندی‌های اکتسابی در راه مقاصد سازنده، کسب آسایش و آرامش و یا فعالیت در امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی. این گزارش می‌افزاید اگر معیارهای توسعه انسانی نتواند تعادل لازم بین این دو جنبه را برقرار سازد، ممکن است آدمی را دچار احساس ناکامی نماید.

شاخص HDI طی سال‌های ۱۹۹۰ به این سو، چه به لحاظ روش‌شناسی و چه از بعد داده‌ها و آمار مورد استفاده، دست‌خوش تغییرات و تعدیلات متعددی بوده است. مشخص‌ترین تعدیلات صورت گرفته در شاخص HDI، عبارتند از:

الف: تعدیل شاخص توسعه انسانی بر حسب چگونگی توزیع

1. Gross National Product
2. Gross Domestic Product
3. Net Domestic Product
4. Net National Product
5. National Income
6. Physical Quality of Life Index
7. Morris

8. United Nations Development Program  
9. Human Development Index



حداقل و یک نماد حداکثر است (اکبری، ۱۳۷۸: ص ۳۸).

### ۲-۳. روش محاسبه شاخص توسعه انسانی در سطح ملی

آناند و سن<sup>۱</sup> (۱۹۹۳: ص ۱۳) در گزارش خود که برای سازمان ملل متحد تحت عنوان "شاخص توسعه انسانی: متدولوژی و اندازه‌گیری"<sup>۲</sup> تهیه کرده‌اند روش محاسبه شاخص HDI را به شرح زیر ارائه نموده‌اند:

در این گزارش شاخص توسعه انسانی میانگین سه شاخص امید به زندگی<sup>۳</sup> (X1)، آموزش<sup>۴</sup> (X2) و درآمد سرانه برحسب برابری قدرت خرید<sup>۵</sup> (X3) است. با توجه به میانگین‌گیری از آن‌ها، این سه شاخص بدون وزن می‌گردند. به همین دلیل برای بی‌وزن کردن شاخص‌ها از روش زیر استفاده می‌شود.

$$I_{ij} = \frac{X_{ij} - \text{Min}(X_{ik})}{\text{Max}(X_{ik}) - \text{Min}(X_{ik})} \quad (1)$$

i: 1,2,3

که در آن: منطقه یا کشور: j  
مینیم یا ماکزیم بر روی اندیس دوم: k

بعد از بی‌وزن کردن شاخص‌ها با استفاده از میانگین ساده (حسابی) شاخص توسعه انسانی به صورت زیر بدست می‌آید:

$$HDI_j = \frac{1}{3} \sum_{i=1}^3 I_{ij} \quad (2)$$

این رابطه نشان می‌دهد که شاخص توسعه انسانی برای کشور یا منطقه j میانگین شاخص‌های بی‌وزن شده (و بین صفر و یک) آموزش، تولید سرانه و بهداشت می‌باشد.

### ۴. مبانی نظری

نقش‌های ابزاری آزادی شامل عناصری متمایز اما به هم مرتبط هم‌چون آزادی‌های سیاسی، آزادی و تسهیلات اقتصادی، فرصت‌های اجتماعی جهت رشد و توسعه انسانی و امنیت حمایتی هستند. هر یک از این ابزار متمایز به پیشبرد و قابلیت عمومی یک فرد کمک می‌کند. این ابزارها به شدت به یکدیگر مرتبط هستند که این ارتباط‌ها می‌توانند جهات متفاوتی به خود گیرند. فرایند توسعه تحت تأثیر این ارتباط‌های به هم مرتبط

درآمد و نابرابری‌های داخلی کشورها: این تعدیل، کشورهای با گرایش به سمت برابری و توزیع عادلانه درآمدها را مانند کشورهای اسکاندیناوی در مقایسه با کشور برزیل در جایگاه بالاتری از لحاظ رتبه‌بندی قرار می‌دهد.

ب: تعدیل شاخص توسعه انسانی بر حسب جنسیت: بر حسب این تعدیل، کشورهایی که در آن‌ها زنان، نسبت به مردان دارای موقعیت‌ها و فرصت‌های شغلی، تحصیلی و درآمدی نامتعادل هستند، از جایگاه پایین‌تری در رتبه‌بندی قرار می‌گیرند.

ج: تعدیل در معیار تحصیلی: معیار تحصیلی در نخستین گزارش UNDP بر حسب نرخ باسوادی بزرگسالان اندازه‌گیری می‌شد، ولی در سال ۱۹۹۱ این مقیاس گسترش یافت و به میانگین سال‌های تحصیل تبدیل گردید. معیار تحصیل می‌تواند بر حسب جنسیت نیز تعدیل شود.

د: تبدیل معیار سطح درآمد بر حسب قدرت خرید و ارزش آستانه‌ای: در بدو امر شاخص توسعه انسانی ارزش آستانه‌ای درآمد را تا سال ۱۹۹۳ بر حسب سطح فقر کشورهای صنعتی با به هنگام کردن ارزش‌ها و تبدیل آن بر حسب دلار انجام می‌داد، ولی این مسئله همواره مورد تردید بود که آیا سطح فقر در کشورهای صنعتی هدف درآمدی مناسبی برای کشورهای در حال توسعه است، تا این که در سال ۱۹۹۴ شاخص توسعه انسانی، ارزش آستانه درآمد را بر اساس متوسط جاری ارزش جهانی محصول ناخالص داخلی سرانه بر حسب دلار در نظر گرفت. بر حسب تعدیل صورت گرفته در سال ۱۹۹۴ درآمد کشورها بر حسب قدرت خرید واقعی بین ۳۷۰ تا ۵۳۷۱ دلار متفاوت است. البته پیش‌بینی شده است که بر حسب عملکرد زیست محیطی کشورها، نابرابری‌های قومی و غیره در سال‌های آتی تعدیلات دیگری نیز در HDI انجام گیرد.

در نتیجه از سال ۱۹۹۴ به این سو بر اساس تعدیلات صورت گرفته در HDI، هر نماگر شاخص مذکور، بر حسب واحدهای متفاوتی اندازه‌گیری می‌گردد: امید به زندگی بر حسب سال‌های عمر، آموزش و تحصیلات بر حسب میانگین سال‌های تحصیل، درآمد تعدیل شده بر حسب قدرت خرید. به منظور ترکیب این نماگرها دامنه و طیف ارزش‌ها برای هر نماگر، روی مقیاس از صفر تا یک قرار داده شده، که صفر نماد

1. Anand and Sen  
2. Human Development Index: Methodology and Measurement  
3. Life expectancy  
4. Education  
5. Per Capita Income

اقتصادی غالباً ناپایدار بوده و بعد از حداکثر چند دهه، با بروز بحران‌های سیاسی و اقتصادی متوقف شده است. بدون آزادی سیاسی، منافع توسعه اقتصادی به انحصار گروه حاکم در می‌آید. این امر غالباً به ناآرامی‌های اجتماعی، تخصیص نامطلوب منابع، توسعه نابه‌هنجار، پیدایش بحران‌های اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی و نهایتاً فروپاشی نظام منجر می‌گردد.

#### ۴-۲. اثر آزادی سیاسی بر توسعه انسانی

توسعه انسانی را می‌توان به صورت فرایند بسط آزادی‌های سیاسی و مدنی که مردم از آن برخوردارند، در نظر گرفت. توسعه انسانی مستلزم حذف منابع اصلی موارد فقدان آزادی‌هاست. موارد فقدان آزادی را می‌توان در موارد زیر جست‌وجو کرد: فقر و ظلم، فرصت‌های ناچیز اقتصادی و محرومیت اقتصادی و محرومیت نظام مند اجتماعی، غفلت از تسهیلات عمومی و عدم مدارا و افراط حکومت‌های سرکوبگر و غیره.

تأکید بر آزادی‌های سیاسی و فردی به عنوان معیار شناخت توسعه در تعارض با دیدگاه‌های محدودتر توسعه همچون شناسایی توسعه با رشد تولید ناخالص ملی یا با افزایش درآمدهای شخصی یا با صنعتی کردن قرار می‌گیرد. آزادی سیاسی به دو دلیل از اهمیت اساسی برای توسعه برخوردار است:

- دلیل ارزیابی: ارزیابی توسعه باید اساساً بر حسب اینکه آیا آزادی‌های مردم توسعه یافته‌اند یا خیر، صورت پذیرد.
- دلیل کارآمد بودن: دستاورد توسعه کاملاً منوط به عاملیت آزاد مردم است.

عاملیت آزاد و پایدار، به مثابه موتور توسعه ظهور می‌کند. نه تنها عاملیت آزاد خود عنصر قوام بخش توسعه است، بلکه همچنین به تقویت انواع دیگر عاملیت‌های آزاد کمک می‌کند (سن، ۲۰۰۴: ص ۷۴).

آزادی سیاسی و مشارکت از نزدیک دارای رابطه با توسعه انسانی است. بر اساس گزارش توسعه انسانی (۲۰۰۲) مردم بدون آزادی سیاسی قبل از اینکه قادر باشند عضو گروه‌ها شوند و بتوانند ایده‌ای را شکل داده و آن را بیان کنند، دارای

است. آن‌ها هم چنین ممکن است به تکمیل یکدیگر کمک کنند. آزادی‌ها نه تنها هدف اولیه توسعه هستند بلکه جزء ابزارهای اصلی توسعه نیز هستند. آزادی‌های سیاسی در شکل آزادی بیان و انتخابات به ترویج امنیت و آزادی اقتصادی کمک می‌کند که موجب پدید آمدن فرصت‌های اجتماعی می‌شود. فرصت‌های اجتماعی در شکل تسهیلات آموزشی و بهداشتی، مشارکت اقتصادی را تسهیل می‌کند و این تسهیلات اقتصادی در شکل فرصت‌های مشارکت در تجارت و تولید می‌تواند به ایجاد امکانات شخصی و توسعه انسانی یاری رساند.

با فرصت‌های اجتماعی کافی افراد می‌توانند به طور مؤثر به سرنوشت خود شکل دهند و به یکدیگر کمک کنند. در حقیقت بیشتر موانع ناامنی و عدم آزادی اقتصادی را می‌توان به نبود حقوق و آزادی‌های سیاسی نسبت داد. از آنجایی که آزادی‌های سیاسی و مدنی، عناصر توأم بخش توسعه انسانی هستند، نفعی آن‌ها فی‌ذاته نقص و اشتباه است. آزادی بیشتر، توانایی مردم را در کمک به خودشان و افزایش کیفیت توسعه انسانی و نیز تأثیرگذاری در جهان افزایش می‌دهد. در واقع مزایای تکثرگرایی مردمی دارای گستره بسیار وسیعی است. حتی وقتی مردم بدون آزادی سیاسی یا حقوق مدنی با امنیت اقتصادی کافی روبه‌رو نیستند و چه بسا از شرایط اقتصادی مطلوبی نیز بهره‌مند باشند، از آزادی‌های مهمی برای هدایت زندگی‌شان محروم هستند و از آن‌ها فرصت رشد و توسعه انسانی سلب می‌شود (سن، ۲۰۰۴: ص ۱۲۵). در ادامه اثرات متقابل متغیرهای تحقیق بر یکدیگر بررسی می‌شود.

#### ۴-۱. اثر آزادی سیاسی بر آزادی اقتصادی

رابطه بین آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی رابطه‌ای بغرنج، پویا و متقابل است. در بلندمدت آزادی سیاسی بدون آزادی اقتصادی و آزادی اقتصادی بدون آزادی سیاسی تعادل‌های پایداری نمی‌باشند. ملاحظات نظری و مشاهدات متعدد دال بر آن است که آزادی اقتصادی و توسعه اقتصادی پایدار بدون آزادی سیاسی میسر نمی‌باشد. توسعه اقتصادی پایدار غالباً در کشورهایی صورت گرفته است که دارای نظامی دموکراتیک می‌باشند. برعکس، در کشورهای غیر دموکراتیک، امر توسعه



#### ۴-۴. اثر آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی

مادان<sup>۱</sup> (۲۰۰۲: ص ۳) چهار دلیل را برای آنکه آزادی اقتصادی اقتصادی منجر به رشد بیشتر شود ذکر می‌کند: وجود امنیت برای حقوق مالکیت و هم چنین پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام نمایند که کارا تر باشد؛ از این رو، افزایش کارایی، خود منجر به رشد بیشتر خواهد شد.

آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد؛ از این رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی منجر به افزایش رشد خواهد شد. آزادی ورود و رقابت در بازارها منجر به افزایش کارایی و سود بیشتر می‌گردد و منابع به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد.

هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌گردد؛ لذا فرصت‌هایی که سابقاً مورد چشم پوشی واقع می‌شدند به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند (شهنازی، ۱۳۸۴: ص ۳۶).

#### ۴-۵. اثر توسعه انسانی بر آزادی اقتصادی

افزایش سطح آموزش و بهداشت در یک جامعه بعد از باز شدن اقتصاد باعث افزایش رونق پویایی آن شده و در حقیقت آزادی اقتصادی را سرعت می‌دهد و نمونه عینی در این مورد را می‌توان مثال چین در مقابل هند دانست که کشور چین قبل از باز کردن اقتصاد کشور خود به آموزش و بهداشت توجه فراوانی داشت که باعث شد آزادی اقتصادی در آن به سرعت انجام گیرد و به رشد اقتصادی منجر گردید اما هند که به آموزش و بهداشت توجه زیادی نداشت در مسیر آزادی اقتصادی سرعت کمتری داشت و در نتیجه از رشد اقتصادی کمتر از چین برخوردار شد (سن، ۲۰۰۴: ص ۱۲۵).

انتخاب‌های کمتری در زندگی می‌باشند. دولت‌های دموکراتیک از حقوق بشر حمایت کرده و اجازه مشارکت بیشتری در نهادها و قوانینی که بر زندگی مردم تأثیر می‌گذارند را می‌دهند. در نتیجه، آزادی سیاسی، توسعه انسانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

#### ۴-۳. اثر آزادی اقتصادی بر آزادی سیاسی

ملاحظات نظری و تجربه جهانی حاکی از آن است که توسعه اقتصادی به نوبه خود مستلزم وجود آزادی اقتصادی است. تاکنون، نظام‌های متکی بر اقتصاد آزاد در تأمین توسعه اقتصادی پایدار بسیار موفق‌تر بوده‌اند. برعکس، توسعه اقتصادی در نظام‌های دولت سالار در مجموع ناپایدار و ناموفق بوده است. از این دو حکم نظری و تجربی می‌توان نتیجه گرفت که آزادی سیاسی مستلزم آزادی اقتصادی می‌باشد. تجربه جهانی با صراحت نشان می‌دهد که نبود آزادی اقتصادی، پیدایش و گسترش دموکراسی را دشوار و چه بسا غیرممکن می‌سازد. تمام دموکراسی‌های موجود و پایدار متکی بر اقتصاد بازار آزاد می‌باشند. برعکس، هیچ یک از تجارب اقتصاد دولتی تا به حال با دموکراسی همراه نبوده و به استقرار دموکراسی منجر نگردیده است (زمانی، ۲۰۰۴: ص ۴۸).

نظام اقتصادی که به وسیله نیل به آزادی سیاسی تلقی می‌شود، به دلیل تأثیرش در تمرکز یا توزیع قدرت اهمیت دارد. نوع سازمان اقتصادی که مستقیماً آزادی اقتصادی را تأمین می‌کند، یعنی سرمایه‌داری رقابتی نیز در ارتقای آزادی سیاسی مؤثر است زیرا قدرت اقتصادی را از قدرت سیاسی جدا کرده و بدین ترتیب به یکی امکان می‌دهد تا باعث تعادل دیگری هم بشود. شواهد تاریخی رابطه آزادی سیاسی و بازار آزاد را تأکید می‌کنند. فریدمن مدعی است که در هیچ زمان و مکانی جامعه‌ای را سراغ ندارد که بدون اینکه برای سازماندهی بخش اعظم فعالیت‌های اقتصادی خود از بازار آزاد استفاده کند از آزادی سیاسی قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد. آزادی سیاسی همراه با بازار آزاد و تکامل نهادهای سرمایه داری ظهور کرد (سن، ۲۰۰۴: ص ۸۹).



#### ۴-۶. اثر توسعه انسانی بر آزادی سیاسی

با افزایش آموزش در بین افراد یک جامعه آن‌ها با نیازهای اولیه سیاسی خود از جمله تشکیل احزاب و انتخابات آشنا شده و در نتیجه باعث حرکت جامعه به سمت باز شدن فضای سیاسی و در نتیجه به وجود آمدن دموکراسی می‌گردد. پس با افزایش توسعه انسانی، دموکراسی و آزادی سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند (همان، ص ۱۳۲).

از طرفی توسعه انسانی نمادی از توسعه پایدار و یکی از قانونی‌ترین مباحث اثرگذار بر توسعه سیاسی جوامع تلقی می‌شود. به طوری که در گزارش توسعه انسانی سازمان ملل نیز بر اهمیت سیاست برای توسعه انسانی تأکید می‌شود زیرا مردم در تمام نقاط دنیا تمایل دارند که سرنوشتشان را تعیین کنند، عقایدشان را ارائه دهند و در تصمیماتی که زندگی‌شان را شکل می‌دهد مشارکت کنند. توسعه انسانی می‌تواند با توانمندسازی مردم جهت تأکید بر سیاست‌هایی که فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را بسط می‌دهند، حکومت دموکراتیک را توسعه دهد. کیفیت حکومت‌داری به طور اساسی نتایج توسعه انسانی پایدار تلقی می‌شود (شارما<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹: ص ۲۲).

#### ۵. تحقیقات انجام شده

اسدی و اسماعیلی (۱۳۹۲: ص ۸۹) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل‌های رشد جدید (درون‌زا) به بررسی تأثیر شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۷۱ پرداخته‌اند. در این پژوهش محقق ابتدا به محاسبه شاخص توسعه انسانی ایران بر اساس تعریف سازمان ملل در سال ۲۰۱۰ پرداخته و در ادامه با استفاده از مدل مارکوف-سوئیچنگ<sup>۲</sup> تأثیر شاخص توسعه انسانی بر رشد اقتصادی را مورد بررسی قرار داده است. برای برآورد رابطه غیرخطی موجود میان توسعه انسانی و رشد اقتصادی بر اساس مقدار تابع راست نمایی، مدل استراتژی انتخاب بهینه (MSI) با دو رژیم رونق و رکود از میان حالت‌های مختلف مدل مارکوف برگزیده شده است. نتایج حاکی از آن است که سرمایه انسانی

تأثیر یکسان و مثبتی بر رشد اقتصادی در ایران ندارد. به نحوی که این عامل در زمان رشد اقتصادی اثر منفی و بازدارنده شدید و در زمان رکود، اثری مثبت و پیشروانه بر رشد کشور دارد.

صادقی و همکاران (۱۳۹۲: ص ۹) به بررسی اثر اعتماد اجتماعی بر سرمایه انسانی پرداخته‌اند. داده‌های مورد استفاده در این پژوهش شامل پیمایش‌هایی با نمونه ملی است که تقریباً ۸۸ درصد جمعیت جهان را پوشش می‌دهد. روش مورد استفاده فازی بوده و نتایج حاکی از آن است که برای افزایش سرمایه انسانی در یک کشور لازم است شرایط اجتماعی رشد و گسترش مؤلفه‌های آن فراهم گردد که یکی از مهم‌ترین شرایط اجتماعی لازم برای سرمایه انسانی، تقویت اعتماد اجتماعی است. به بیان صریح‌تر، پیش نیاز دست‌یابی به سرمایه انسانی، بهبود اعتماد اجتماعی است که در ۶۸ درصد از کشورها اعتماد اجتماعی شرط لازم برای سرمایه انسانی بوده است.

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۸: ص ۲۷) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان) اثر کیفیت حکمرانی را بر رشد اقتصادی با استفاده از داده‌های تلفیقی پانل در ایران و کشورهای منتخب همسایه در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ مورد بررسی قرار دادند. برای این منظور در این مطالعه ابتدا شاخص کیفیت حکمرانی معرفی گردیده است و سپس روند آن در ایران مورد بررسی قرار گرفته است. از آنجا که بانک جهانی برای کیفیت حکمرانی شاخص عددی محاسبه نکرده است، در این مطالعه میانگین ساده حسابی شش شاخص حکمرانی خوب به عنوان شاخص کیفیت حکمرانی محاسبه شده است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که در ایران کیفیت حکمرانی دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد. نتایج حاصل از مدل نیز نشان می‌دهد شاخص کیفیت حکمرانی در هر سه کشور دارای تأثیر مثبت و معنادار بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشد. اما میزان تأثیرگذاری این شاخص در ترکیه بیشتر از ایران و پاکستان است.

سامتی و همکاران (۱۳۸۵: ص ۱۸۳) آزادی اقتصادی را مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده در افزایش رقابت، سرمایه‌گذاری،

1. Sharma  
2. Markov – Switching



می‌شود. با استفاده از اطلاعات مربوط به تأمین اجتماعی در ۴۳ کشور جهان نشان داده شده است که سهم هزینه‌های تأمین اجتماعی در کشورهای با درآمد بالاتر با ثبات تر بوده و سهم این هزینه‌ها با حرکت بین کشورها از کشورهای فقیر به سوی کشورهای ثروتمند، نیز افزایش می‌یابد. اثر آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی بر کارایی نظام تأمین اجتماعی در ۱۱۵ کشور مورد بررسی نشان می‌دهد که درجه آزادی سیاسی و درجه آزادی اقتصادی بر کارایی نظام تأمین اجتماعی مؤثر بوده ولی عوامل متعدد دیگری نیز بر کارایی نظام تأمین اجتماعی مؤثر هستند که باید مورد بررسی قرار گیرند.

فار<sup>۱</sup> و همکارانش (۱۹۹۸: ص ۲۴۷) به بررسی ارتباط آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و رفاه اقتصادی می‌پردازند. در این بررسی با استفاده از روش گرنجر، علت‌یابی میان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و رفاه صورت گرفته است. آزمون گرنجر برای هر سه این متغیرها توسط معادلات رگرسیونی تنظیم شده است. داده‌های آزادی اقتصادی از شاخص مؤسسه فریزر و داده‌های آزادی سیاسی از گزارش سالیانه جهانی خانه آزادی استفاده شده است. داده‌های کشورها برای دوره‌های پنج ساله تهیه شده و ۲۰ کشور صنعتی و ۷۸ کشور غیر صنعتی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج، آزادی اقتصادی دوره گذشته با تولید ناخالص داخلی سرانه جاری در ارتباط بوده ولی آزادی سیاسی با رفاه چنین ارتباطی را نشان نمی‌دهد. هم چنین سطح تولید ناخالص داخلی دوره گذشته، آزادی اقتصادی جاری را افزایش می‌دهد ولی باز هم چنین ارتباطی میان آزادی سیاسی و تولید ناخالص داخلی وجود ندارد. پس رفاه اقتصادی یا تولید ناخالص داخلی سرانه علت آزادی اقتصادی است ولی آزادی سیاسی علت آزادی اقتصادی نمی‌باشد. با این حال آزادی سیاسی با رفاه اقتصادی ارتباط داشته و تولید ناخالص داخلی علت آزادی سیاسی می‌باشد.

گول و نلسون<sup>۲</sup> (۲۰۰۵: ص ۱۲۱) تأثیر فساد را بر آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی اندازه‌گیری می‌کنند. نتایج نشان می‌دهد که نسبت به آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی تأثیر

کارآفرینی، مسئولیت‌پذیری مدیران و کاهش فساد مالی، رانت‌جویی و کاهش بخش غیررسمی می‌دانند. این عوامل به رشد اقتصادی و سطح درآمد سرانه کشورها مربوط می‌شود. این تحقیق در چارچوب روش شناسی لاکاتوش و با بهره‌گیری مدل اسکیتون به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه پرداخته و با استفاده از دو مدل که از ترکیب مدل‌های کارلسون و لاند استروم و مدل داده‌های تلفیقی پویای وینهلد به دست آمده‌اند به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۳ در ۸۷ کشور (به طور کلی و به تفکیک در کشورهای کم درآمد، با درآمد متوسط شامل ایران و پردرآمد) پرداخته است. نتایج حاکی از اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه و رشد اقتصادی کل نمونه است. از بین اجزای آزادی اقتصادی، استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم و ضوابط و قوانین مربوط به بازار کار، اعتبار و کسب و کار بیشترین اثر را بر درآمد سرانه دارند. هم چنین از بین اجزای آزادی اقتصادی، استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت و ضوابط و قوانین مربوط به بازار کار، اعتبار و کسب و کار بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی دارد.

رنانی (۱۳۸۲: ص ۳۷) رابطه متقابل دموکراسی، آزادی اقتصادی و تأمین اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. تأمین اجتماعی بخش بزرگی از هزینه‌های دولت‌ها را به خود اختصاص داده است. این هزینه‌ها به علت گسترش تعهدات و ملاحظات دولت‌ها در اقتصاد و نیز به علت افزایش انتظارات مردم از دولت‌ها و به علت گسترش سهم سالخوردگان در کشورها از سوی دیگر، روند افزایشی دارد. از دیدگاه نظری، نظام‌های تأمین اجتماعی کشورها و نظام‌های سیاسی و اقتصادی رابطه‌ای متقابل دارند. تأمین اجتماعی از یک سو موجب کاهش هزینه‌های مبادله در اقتصاد و افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود و از سوی دیگر با کاهش شکاف‌های اجتماعی و افزایش احساس تعلق اجتماعی افراد موجب کاهش تنش‌های اجتماعی و بنابراین ثبات نظام‌های سیاسی می‌شود. گسترش دموکراسی در نظام‌های سیاسی و بازاری شدن نظام‌های اقتصادی هم موجب رشد هزینه‌های تأمین اجتماعی و هم موجب افزایش کارایی آن

1. Farr et al.

2. Goel and Nelson

- از نظر جمعیتی کشورهای اسلامی حدود یک پنجم جمعیت جهان را دارا می‌باشند که این مسئله شاخص مناسبی جهت بازار مصرف محسوب می‌شود. جوان بودن جمعیت این کشورها نیز از ویژگی‌های مهم آن محسوب می‌شود.
- بیش از یک سوم منابع جهان و ۷۰ درصد منابع نفتی دنیا در کشورهای اسلامی قرار دارد.
- وسعت سرزمین‌های اسلامی در چهار قاره قرار گرفته که علی‌رغم این گستردگی، این سرزمین به صورت یک توده هم‌جوار می‌باشد.
- ترکیب بیشتر کشورهای اسلامی، از گروه در حال توسعه می‌باشد و حجم واردات کالاهای صنعتی آن‌ها زیاد است.
- مهم‌ترین بخش اقتصادی در این کشورها کشاورزی و خدمات است (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۱۰: ص ۲۲۱).

ویژگی‌های عمومی مذکور بیان می‌کند که کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی می‌توانند در قالب یکپارچگی اقتصادی به شاخص‌های بالای اقتصادی دست یابند. از این رو حوزه مکانی مورد بررسی در این تحقیق با توجه به برخی محدودیت‌های موجود در داده‌ها منتخبی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است که در حال توسعه بوده و اکثر آن‌ها صادرکننده نفت و مواد خام می‌باشند. لازم به ذکر است که این منتخب سهم بسزایی از سازمان را در بر می‌گیرد. همچنین آمارهای مورد نیاز برای تحقیق قبل از سال ۲۰۰۰ به صورت ۵ ساله و بعد از آن به صورت سالیانه منتشر گردیده است. لذا در این تحقیق ارتباط شاخص‌های مربوطه بین سال‌های ۲۰۰۱ الی ۲۰۱۰ مورد بررسی قرار می‌گیرد. منابع آماری مورد استفاده در این تحقیق برای آزادی اقتصادی از داده‌های بنیاد هریتیج بوده زیرا داده‌های آزادی اقتصادی در این بنیاد نسبت به مؤسسه فریزر کامل‌تر است. برای آزادی سیاسی نیز از داده‌های موجود در مؤسسه خانه آزادی استفاده شده و برای شاخص توسعه انسانی از گزارشات توسعه انسانی استفاده گردیده است.

#### ۷. مدل مورد استفاده تحقیق

با توجه به مبانی نظری گفته شده در بالا که به طور مفصل در

بیشتری بر کاهش فساد دارد. آزادی اقتصادی بیشتر کمک به جامعه می‌کند تا جامعه‌ای بدون فساد مالی وجود داشته باشد. بر طبق مطالعه انجام شده نیز آزادی اقتصادی و کلیه زیر بخش‌های آن اثرات مشخصی در کاهش فساد دارند ولی این اثرات به یک میزان ثابت نخواهند بود. سیاست‌های پولی تأثیر بیشتر و بهتری نسبت به سیاست‌های مالی در کاهش فساد دارند. در این بررسی فساد به عنوان متغیر وابسته و متغیرهای توضیحی تولید ناخالص داخلی سرانه، آزادی اقتصادی از بنیاد هریتیج و دموکراسی از شاخص خانه آزادی گاستیل و سرمایه‌گذاری در بخش‌های آموزشی و بهداشتی در مدل رگرسیونی در نظر گرفته شده است.

#### ۶. کشورهای مورد مطالعه

یک‌پارچگی اقتصادی نقطه شروعی برای ادغام اقتصادی کشورها در یک مقیاس کوچک می‌باشد که در آن رقابت، تقسیم کار بین المللی، تولید در مقیاس بالا، انتقال تکنولوژی، تحول فراملی سرمایه، پیشرفت‌های مربوط به حمل و نقل و ارتباطات و فعالیت شرکت‌های فراملی دیده می‌شود و ارتباط پیوسته‌ای را میان فرایند تولید، بازارهای مصرف و تجارت خارجی برقرار می‌نماید (طیبی و معلمی، ۲۰۰۳: ص ۹۶).

کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی با ساختارهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مشابه و مشترک می‌توانند از پتانسیل اقتصادی بالایی برخوردار باشند. ویژگی‌های مثبت کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را که می‌تواند در تشکیل یک‌پارچگی اقتصادی مفید باشد، می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود:

- سازمان کنفرانس اسلامی از نظر تعداد اعضا بعد از سازمان ملل و سازمان تجارت جهانی از رتبه سوم برخوردار است.
- پیوندها و علائق مشترک فرهنگی میان کشورهای اسلامی وجود دارد. خصوصاً با احاطه‌ای که تأثیر دین مشترک بر تمام ساختارهای اقتصادی و اجتماعی ایجاد نموده است.
- از لحاظ وسعت، کشورهای اسلامی منطقه وسیعی از جهان را تشکیل می‌دهند به طوری که وسعت آن‌ها حدود یک چهارم وسعت جهان است.



محدودیتی روی فرایند خود رگرسیو داده‌های سری زمانی یا مقطعی وجود داشته باشد یا نه، طبقه‌بندی می‌شود.

جدول (۲): آزمون پایایی متغیرهای مدل

آزمون هاردی		آزمون LLC		نام متغیر
مقدار آماره	احتمال پذیرش صفر	مقدار آماره	احتمال پذیرش صفر	
۵.۵۸۲۸	۰.۰۰۰۰	-۲.۹۸۸	۰.۰۰۱۴	PRI
-۴.۶۰۰	۰.۰۰۰۰	-۴.۲۹۶۰۰	۰.۰۰۰۰	EFI
۵.۷۳۲۲۶	۰.۰۰۰۰	-۷.۲۹۱۷۳	۰.۰۰۰۰	HDI
۵.۰۴۳۱۹	۰.۰۰۰۰	-۱۱.۹۸۰	۰.۰۰۰۰	UR
۳.۲۸۳۱۱	۰.۰۰۰۰۵	-۵.۹۳۰۷۴	۰.۰۰۰۰	GNP
۶.۷۰۰۹۸	۰.۰۰۰۰	-۴.۵۸۷	۰.۰۰۰۰	FPI

مأخذ: یافته‌های پژوهش

فرایند (AR1) برای داده‌های پانلی به صورت زیر در نظر گرفته می‌شود:

$$Y_{it} = \rho Y_{it-1} + X_{it}\beta + \epsilon_{it} \quad (3)$$

که در آن  $i=1,2,\dots,n$  واحدهای مقطعی و  $t=1,2,\dots,T$  نشان‌گر دوره‌ی زمانی است.  $X_{it}$  متغیرهای برون‌زا مدل را ارائه می‌کند و شامل اثرات ثابت یا روندها نیز هست.  $P_i$  ضرایب خود رگرسیو است و جمله‌ی  $\epsilon_{it}$  هم خطای معادله را نشان می‌دهد. اگر  $|P_i| < 1$  باشد، گفته می‌شود  $y_i$  ایستا است. از سوی دیگر اگر  $|P_i| = 1$  شامل یک ریشه واحد پانلی، معمولاً از ریشه‌های لوین، لین و چو<sup>۳</sup>، بریتونگ و هاردی<sup>۴</sup>، پسران و شین<sup>۵</sup> و ADF<sup>۶</sup> استفاده می‌شود (بالتاجی<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵: ص ۱۹۲). همچنین لازم است ایستایی متغیرهای مورد استفاده در برآورد داده‌های تابلویی، مورد ارزیابی قرار گیرد. نتایج آزمون ریشه واحد به دو روش LLC و هاردی در جدول (۲) آورده شده است.

#### ۷-۲. شرط درجه‌ای در رابطه با قابلیت تشخیص

در یک سیستم معادله که دارای  $m$  معادله همزمان می‌باشد، در

رابطه با آن توضیح داده شد، برای پاسخگویی به فرضیات موجود دو مدل در نظر گرفته می‌شود:

(الف) در مدل اول ارتباط متغیرها در سه معادله همزمان به صورت زیر تعریف می‌گردد:

- 1)  $EFI_{it} = a_{i1} + a_{i2}PRI_{it} + a_{i3}HDI_{it} + a_{i4}FPI_{it} + u$
- 2)  $PRI_{it} = b_{i1} + b_{i2}EFI_{it} + b_{i3}HDI_{it} + b_{i4}GNP_{it} + u$
- 3)  $HDI_{it} = c_{i1} + c_{i2}EFI_{it} + c_{i3}PRI_{it} + c_{i4}UR_{it} + u$

جدول (۱): نام متغیرهای مدل

نام متغیر	علامت اختصاری	نام متغیر	علامت اختصاری
آزادی اقتصادی	EFI	آزادی سیاسی	PRI
شاخص توسعه انسانی	HDI	رشد اقتصادی	GNP
خالص ورود سرمایه	FPI	درصد شهرنشینی	UR

(ب) مدل دوم متغیرها را به صورت دو به دو مورد بررسی قرار داده و ارتباط آن‌ها را در معادلات زیر به صورت همزمان برآورد می‌کند:

- ارتباط بین آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی:

- 1)  $EFI_{it} = a_{i1} + a_{i2}PRI_{it} + a_{i3}FPI_{it} + u$
- 2)  $PRI_{it} = c_{i1} + c_{i2}EFI_{it} + c_{i3}GNP_{it} + u$

- ارتباط بین آزادی اقتصادی و توسعه انسانی:

- 3)  $HDI_{it} = e_{i1} + e_{i2}EFI_{it} + e_{i3}UR_{it} + u$
- 4)  $EFI_{it} = b_{i1} + b_{i2}HDI_{it} + b_{i3}FPI_{it} + u$

- ارتباط بین توسعه انسانی و آزادی سیاسی:

- 5)  $PRI_{it} = d_{i1} + d_{i2}HDI_{it} + d_{i3}GNP_{it} + u$
- 6)  $HDI_{it} = f_{i1} + f_{i2}PRI_{it} + f_{i3}UR_{it} + u$

#### ۷-۱. آزمون ریشه واحد پانلی<sup>۱</sup> کاربردی برای ارزیابی مانایی متغیرها

بر خلاف آنچه در داده‌های پانلی اقتصاد خرد، تکیه بیشتر بر داده‌های مقطعی گسترده‌تر و مشاهدات زمانی کمتر است، در این خصوص فیلیپس و مون<sup>۲</sup> نشان می‌دهند که در استفاده از داده‌های پانلی کلان باید نگران ریشه واحد و نامانایی متغیرها بود. بدین ترتیب، آزمون ریشه واحد پانلی، بر اساس این که

3. Levin, Lin and Chu (LLC)  
4. Beritung and Hardi  
5. Pesaran and Shin  
6. Baltagi

1. Panel Unit Root Tests  
2. Philips and Moon

**معادله دوم:** مبتنی بر اثر توسعه انسانی و آزادی اقتصادی بر آزادی سیاسی بوده که برآورد مدل به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$PRI = -14.47_{(0.064)} - 0.79_{(0.004)}EFI + 92.68_{(0.005)}HDI + 0.10_{(0.13)}GNP, R^2 = 0.625$$

در برآورد بالا هر دو متغیر HDI و EFI که به ترتیب بیانگر شاخص توسعه انسانی و شاخص آزادی اقتصادی بوده در سطح  $\alpha = 0.05$  معنی‌دار می‌باشند، اما متغیر GNP که بیانگر شاخص رشد اقتصادی بوده در سطح  $\alpha = 0.05$  معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به نتایج برآورد (ارتباط همزمان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی) می‌توان در مجموع استنباط نمود که توسعه انسانی و آزادی اقتصادی بر آزادی سیاسی مؤثر بوده به طوری که رابطه بین آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی بر خلاف یکدیگر و رابطه توسعه انسانی و آزادی سیاسی هم جهت می‌باشد.

**معادله سوم:** مبتنی بر اثر دموکراسی و آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی بوده که برآورد مدل به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$HDI = 0.217_{(0.00)} + 0.007_{(0.000)}EFI + 0.0006_{(0.004)}PRI + 0.034_{(0.02)}UR, R = 0.798$$

متغیرهای PRI و EFI که به ترتیب بیانگر شاخص آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی بوده در سطح  $\alpha = 0.05$  معنی‌دار هستند که با توجه به نتایج برآورد (ارتباط همزمان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی) می‌توان در مجموع استنباط نمود که آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی مؤثر است. هر چند که یک واحد افزایش در شاخص آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی موجب افزایش ناچیز در شاخص توسعه انسانی می‌گردد.

جدول (۳) نشان دهنده‌ی ارتباط همزمان سه متغیر آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی بر اساس الگوی اول بوده که به شرح زیر می‌باشد:

صورتی یک معادله همزمان می‌باشد که تعداد متغیرهای از قبل تعیین شده‌ای که در معادله فوق وجود دارد کمتر از تعداد متغیرهای درونزا در معادله معین منهای یک نباشد  $K-k \geq m-1$  و اگر  $K-k=m-1$  باشد معادله تحت بررسی دقیقاً مشخص است و در صورتی که  $K-k > m-1$  وضعیت بیش از حد مشخص خواهد بود.

در سیستم  $m=3, k=1, K=3$ ، دو طرف نامساوی داده شده برابر ۲ می‌شود. پس سیستم دقیقاً مشخص است. اکنون لازم است تفحص در مورد شرط کافی که شرط درجه‌ای است نیز انجام گیرد. این شرط به صورت زیر بیان می‌شود. در یک مدل دارای  $m$  معادله یا  $m$  متغیر درونزا، یک معادله مشخص خواهد بود اگر و تنها اگر بتوان حداقل یک دترمینان غیر صفر از درجه‌ی  $(m-1)(m-1)$  از ضرایب متغیرهای خارج از معادله مربوط اما ملحوظ در سایر معادلات مدل، بدست آورد. از آنجایی که در سیستم معادلات پایه‌ریزی شده در این مطالعه  $m-1=2$  است، این شرط خود به خود برآورده می‌گردد، در نتیجه معادله مشخص است.

## ۸. برآورد مدل در قالب داده‌های تابلویی

### الف) برآورد مدل در قالب الگوی اول

**معادله اول:** مبتنی بر اثر آزادی سیاسی و توسعه انسانی بر آزادی اقتصادی بوده که برآورد مدل به صورت زیر ارائه می‌گردد:

$$EFI = -28.24_{(0.000)} - 0.066_{(0.035)}PRI + 123.10_{(0.000)}HDI - 0.016_{(0.49)}FPI, R^2 = 0.898$$

متغیرهای PRI و HDI که به ترتیب بیانگر شاخص آزادی سیاسی و توسعه انسانی بوده، در سطح  $\alpha = 0.05$  معنی‌دار می‌باشند که با توجه به نتایج برآورد (ارتباط همزمان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی) می‌توان در مجموع استنباط نمود که آزادی سیاسی و توسعه انسانی بر آزادی اقتصادی مؤثر است. هر چند که رابطه آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی غیر هم‌جهت و رابطه توسعه انسانی و آزادی اقتصادی هم جهت می‌باشد.



متغیرهای HDI و EFI که به ترتیب بیانگر شاخص توسعه انسانی و آزادی اقتصادی بوده، هر دو در دو معادله و در سطح  $\alpha = 0.05$  معنی‌دار هستند که با توجه به نتایج برآورد سیستم معادلات دوتایی (ارتباط همزمان توسعه انسانی، آزادی اقتصادی) می‌توان در مجموع استنباط نمود که توسعه انسانی بر آزادی اقتصادی و آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی مؤثر است.

- ارتباط بین توسعه انسانی و آزادی سیاسی:

$$5) \text{PRI} = 8.08_{(0.00)} + 3.99_{(0.00)} \text{HDI} + 0.04_{(0.49)} \text{GNP}, R^2 = 0.764$$

$$6) \text{HDI} = -0.051_{(0.04)} + 0.001_{(0.06)} \text{PRI} + 0.998_{(0.00)} \text{UR}, R^2 = 0.720$$

متغیرهای PRI و HDI که به ترتیب بیانگر شاخص آزادی سیاسی و توسعه انسانی بوده، در دو معادله و در سطح  $\alpha = 0.05$  یکی معنی‌دار بوده و دیگری معنی‌دار نمی‌باشد. که با توجه به نتایج برآورد سیستم معادلات دوتایی (ارتباط همزمان آزادی سیاسی، توسعه انسانی) می‌توان در مجموع استنباط نمود که توسعه انسانی بر آزادی سیاسی مؤثر است. هرچند که ضریب تأثیر توسعه انسانی بر آزادی سیاسی زیاد و در جهت مستقیم می‌باشد.

جدول (۴) نشان دهنده ارتباط همزمان سه متغیر آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی در کشورهای اسلامی بر اساس الگوی دوم می‌باشد:

جدول (۴): ارتباط همزمان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه

انسانی در کشورهای اسلامی بر اساس الگوی دوم

جدول مقایسه‌ای اثرات	آزادی اقتصادی بر	توسعه انسانی بر	آزادی سیاسی بر
آزادی اقتصادی	-----	اثر داشته است (مستقیم)	اثر داشته است (معکوس)
توسعه انسانی	اثر داشته است (مستقیم)	-----	عدم معناداری
آزادی سیاسی	اثر داشته است (معکوس)	اثر داشته است (مستقیم)	-----

مأخذ: یافته‌های پژوهش

جدول (۳): ارتباط همزمان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه

انسانی در کشورهای اسلامی بر اساس الگوی اول

جدول مقایسه‌ای اثرات	آزادی اقتصادی بر	توسعه انسانی بر	آزادی سیاسی بر
آزادی اقتصادی	-----	اثر داشته است (مستقیم)	اثر داشته است (معکوس)
توسعه انسانی	اثر داشته است (مستقیم)	-----	اثر داشته است (مستقیم)
آزادی سیاسی	اثر داشته است (معکوس)	اثر داشته است (مستقیم)	-----

مأخذ: یافته‌های پژوهش

(ب) برآورد مدل در قالب الگوی دوم

در این الگو ارتباط متغیرها به صورت دو به دو (در شش معادله) به طور همزمان مورد بررسی قرار گرفته که نتایج برآورد در جدول (۴) ارائه گردیده است. - ارتباط بین آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی:

$$1) \text{EFI} = 56.19_{(0.00)} - 2.95_{(0.00)} \text{PRI} + 3.68_{(0.00)} \text{FPI}, R^2 = 0.796$$

$$2) \text{PRI} = 7.21_{(0.00)} - 0.03_{(0.00)} \text{EFI} + 0.053_{(0.43)} \text{GNP}, R^2 = 0.669$$

متغیرهای PRI و EFI که به ترتیب بیانگر شاخص آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی بوده، هر دو در دو معادله و در سطح  $\alpha = 0.05$  معنی‌دار هستند که با توجه به نتایج برآورد سیستم معادلات دوتایی (ارتباط همزمان آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی) می‌توان در مجموع استنباط نمود که آزادی سیاسی بر آزادی اقتصادی و آزادی اقتصادی بر آزادی سیاسی مؤثر است. هرچند که این تأثیر معکوس بوده و ضریب تأثیر آزادی سیاسی بر آزادی اقتصادی بزرگ‌تر از ضریب تأثیر آزادی اقتصادی بر آزادی سیاسی می‌باشد.

- ارتباط بین آزادی اقتصادی و توسعه انسانی:

$$3) \text{EFI} = -28.9_{(0.00)} + 123.7_{(0.00)} \text{HDI} - 0.03_{(0.089)} \text{FPI}, R^2 = 0.898$$

$$4) \text{HDI} = 0.22_{(0.00)} + 0.007_{(0.00)} \text{EFI} + 0.03_{(0.00)} \text{UR}, R^2 = 0.898$$

## ۹. بحث و نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی اثرات متقابل شاخص‌های آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی در دوره زمانی ۱۰ ساله (۲۰۱۰-۲۰۰۱) با استفاده از رهیافت داده‌های تابلویی و نرم افزار Eviews می‌پردازد. در ابتدا اثر کلیه شاخص‌ها به طور همزمان برآورد شده و نتایج در جدول ۳ آورده شده است. بر اساس مدل اول می‌توان استنباط کرد که شاخص توسعه انسانی از لحاظ آماری تأثیری مثبت و معنادار بر روی شاخص آزادی اقتصادی داشته است. ادبیات تئوریک نیز این موضوع را ثابت می‌کند و همان‌طور که قبلاً عنوان گردید، متغیرهای معرف شاخص توسعه انسانی همانند سطح آموزش و بهداشت در یک جامعه بعد از باز شدن اقتصاد باعث افزایش روند پویایی جامعه شده و در حقیقت آزادی اقتصادی را سرعت می‌دهد.

با توجه به نتایج، ارتباط بین آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی بر خلاف یکدیگر و معکوس بوده که این نتایج با مبانی نظری گفته شده در قسمت‌های قبل پژوهش در تناقض می‌باشد. این ناسازگاری به وجود آمده را می‌توان در ساختار و ویژگی‌های سیاسی و اقتصادی اکثر این کشورها جستجو کرد. در اکثر این کشورها منابع درآمدی دولت‌ها وابسته به منابع طبیعی مانند نفت، گاز و غیره بوده و از این رو دولت یا حکومت‌های آن‌ها به علت عدم نیاز منابع درآمدی که از طریق جامعه تأمین می‌گردد (مانند مالیات)، خود را پاسخگویی نیازهای متفاوت جامعه و مردم نمی‌دانند و این علتی شده تا شاخص آزادی سیاسی روند مطلوبی را طی نکرده باشد. از طرفی افزایش قیمت منابع طبیعی و کسب درآمدهای بیشتر برای دولت‌های مذکور در سال‌های اخیر، این روند را فزونی بخشیده است. در مقابل با افزایش قیمت منابع طبیعی، گسترش بازارهای مالی و سرمایه‌ای، اشباع‌پذیری نهادهای دولتی در زمینه‌های اقتصادی و به تبع آن واگذاری این مسئولیت به بخش خصوصی و بهبود نظام روابط و حقوق بین‌الملل شاخص آزادی اقتصادی در سال‌های اخیر بهبود یافته است.

دلیل دیگر این تناقض را می‌توان در این مسئله جستجو کرد که در اغلب این کشورها به این علت که شفافیت کاملی

در اکثر حوزه‌ها (همچون حوزه‌های مالی و اطلاعاتی و غیره) وجود ندارد، با افزایش آزادی اقتصادی نهادهای نزدیک به قدرت از طریق رانت مالی و اطلاعاتی دارای آزادی عمل بیشتر شده و منافع بیشتری را کسب می‌نمایند که خود منجر به افزایش قدرت سیاسی حاکمان و دولت مردان و بدتر شدن آزادی‌های سیاسی می‌گردد. رانت امتیازی انحصاری است که به دور از هرگونه رقابت نصیب برگزیدگانی خاص می‌شود. این مفهوم در مقایسه با شاخص آزادی سیاسی و دموکراسی بهتر فهمیده می‌شود. در کشورهایی که در آن‌ها شاخص آزادی سیاسی پایین است، دولت مردان برای نگهداشت قدرتی که راه رسیدن به امتیازات بی‌شماری را برای او فراهم می‌آورد، نه به هیچ رقیبی امکان هم‌اوردی می‌دهد و نه در هیچ موردی خود را موظف به پاسخگویی به مردم می‌داند. از همین سو، اقلیتی خاص بیشتر از اکثریت مردم از منابع اقتصادی کشور بهره می‌برد و قدرت سیاسی حاکم نگهبان چنین شرایطی است که خود از آن بهره می‌برد. این قضیه به طور عکس باعث ارتباط معکوس این دو شاخص نیز می‌گردد.

هم‌چنین با توجه به برآوردها، آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی به صورت مثبت و ناچیز بر شاخص توسعه انسانی اثرپذیر بوده است. البته این ناچیز بودن بدین معنا نیست که آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی در جهت افزایش رشد و کیفیت انسان‌ها نقش ناچیزی دارند، اما به هر حال افزایش آزادی‌های مدنی و حقوقی سیاسی از قبیل آزادی بیان و از طرفی امنیت اقتصادی و آزادی مبادله و سرمایه‌گذاری برای افزایش سطح و آموزش و کیفیت انسان‌ها و سطح بهداشت و سلامت آن‌ها به عنوان معرف شاخص توسعه انسانی امری ضروری است.

نتایج برازش الگوی دوم نشان می‌دهد که شاخص آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی اثری منفی و به لحاظ آماری کاملاً معنادار بر یکدیگر دارند. با این تفاوت که ضریب تأثیر آزادی سیاسی بر آزادی اقتصادی بزرگ‌تر است که بیانگر این موضوع است که وجود آزادی سیاسی و مدنی و وجود نظام‌های دموکراتیک در یک جامعه نقش مهم‌تری داشته و منجر به پویایی جامعه در کل ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی



می‌گردد.

کشور و به دنبال آن افزایش شاخص توسعه انسانی بر نهادهای مدنی و قانونی جامعه اثرگذار بوده که خود منجر به افزایش آزادی‌های سیاسی و مدنی در جامعه می‌گردد.

با عنایت به اینکه نتایج تحلیل بیانگر تأثیر مستقیم آزادی اقتصادی بر توسعه انسانی است و یکی از مشکلات عمده اقتصاد کشورهای در حال توسعه (که سطح رفاه را تا حد زیادی پایین نگه داشته) پایین بودن عوامل مربوط به توسعه انسانی است؛ از این رو پیشنهاد می‌گردد برنامه‌ریزان توسعه این کشورها جهت ارتقاء توسعه انسانی و در نهایت رفاه، توجه بیشتری به مسئله آزادی اقتصادی داشته باشند. هر چند که ارتباط معکوس دو متغیر آزادی اقتصادی و آزادی سیاسی نیز باید مورد توجه قرار گرفته بدین صورت که تا زیرساخت‌های لازم جهت توسعه دموکراسی و آزادی سیاسی آماده نشود، توسعه آزادی اقتصادی علی‌رغم اثر مثبت روی توسعه انسانی شاید موجب وخیم‌تر شدن وضعیت دموکراسی در این کشورها گردد. از همین رو تقویت قانون‌گرایی و مهم‌تر از آن تقویت نظام کنترل و اقتدار قضایی بسیار ضروری است. در غیر این صورت وجود رانت اقتصادی و سیاسی موجب تضعیف انگیزه تولید و کاهش درآمدها خواهد شد و با اشتغال افراد مستعد به کسب رانت، پیشرفت و رشد اقتصادی آسیب می‌بیند و آزادی‌های سیاسی پایین می‌آید.

در مورد اثرات متقابل توسعه انسانی و آزادی اقتصادی بر روی یکدیگر نتایج برآورد نشان می‌دهد که این شاخص‌ها به صورت مثبت و کاملاً معنادار بر روی یکدیگر اثر داشته‌اند. وجود آزادی اقتصادی سبب افزایش امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری و بهبود تکنولوژی در جامعه شده و در کل منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد. این افزایش رشد و تولید ملی، درآمد سرانه جامعه را بهبود بخشیده و در نتیجه سطح بهداشت و آموزش جامعه که از مقوله‌های مهم شاخص توسعه انسانی هستند را افزایش می‌دهد. از طرفی با افزایش شاخص توسعه انسانی، برنامه ریزی، کارایی و مدیریت در جامعه بهتر گشته و امنیت اقتصادی بیشتری برای صاحبان سرمایه فراهم می‌شود.

نتایج برآورد اثرات دو متغیر آزادی سیاسی و توسعه انسانی حاکی از آن است که شاخص آزادی سیاسی بر توسعه انسانی در این جوامع مؤثر نبوده که عدم وجود نهادهای مدنی و حقوق بشری، عدم پاسخ‌گویی طبقه حاکم و عدم نیاز دولت‌ها به درآمدهای اجتماعی از قبیل مالیات به دلیل وجود درآمدهای بی‌شمار منابع طبیعی از دلایل آن می‌باشد. با این وجود برآزش الگوی ارتباط توسعه انسانی بر آزادی سیاسی نشان می‌دهد که شاخص توسعه به صورت معنادار بر روی آزادی سیاسی به صورت مثبت مؤثر می‌باشد. در واقع افزایش سطح آموزش

## منابع

انتشارات کتابخانه وزارت خارجه، بهار.  
جانسون، بریان؛ هولمز، کیم و ملانی، کرک (۱۳۷۹)،  
"شاخص آزادی اقتصادی سال ۱۹۹۹"، ترجمه و تلخیص:  
امین، محمد ابراهیم. مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۸، ص  
۱۳۴-۱۰۵.  
دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، "مبانی اقتصاد  
اسلامی"، انتشارات سمت، چاپ اول ۱۳۷۱.  
رنانی، محسن (۱۳۸۲)، "تأمین اجتماعی و دموکراسی"،  
فصلنامه تأمین اجتماعی، سال پنجم، شماره ۲ (پیاپی ۱۳)،  
تابستان ۱۳۸۲، ص ۳۷-۶۰.  
سامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون و محسنی، فضیلت

اسدی، علی و اسماعیلی، میثم (۱۳۹۲)، "تأثیر شاخص  
توسعه انسانی بر رشد اقتصادی ایران در قالب مدل مارکوف  
سوئیچینگ"، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه  
اقتصادی. پاییز: ۸۹-۱۰۴.  
اکبری، نعمت‌الله (۱۳۷۸)، "مباحثی از توسعه در ایران"،  
نشر هشت بهشت.  
بیتهام، دیوید و بویل، کوین (۱۳۸۴)، "دموکراسی چیست؟  
(آشنایی با دموکراسی)"، ترجمه شهرام نقش تبریزی، تهران،  
ققنوس.  
پریس، وارن (۱۳۸۳)، "دایره‌المعارف دموکراسی"، ترجمه  
فانی، کامران و مرادی، نورالله سرپرست گروه مترجمان، ج اول،





وحید (۱۳۹۲)، "تحلیل فازی رابطه اعتماد اجتماعی با سرمایه انسانی"، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۳ (۱۲)، صص ۲۰-۹.

فریدمن، میلتن (۱۳۸۰)، "سرمایه‌داری و آزادی"، ترجمه: غلامرضا رشیدی، نشر نی، تهران.

قادر، حاتم (۱۳۷۹)، "اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم"، جلد اول، نشر نیکان، شمیران.

کمیحانی، اکبر و سلاطین، پروانه (۱۳۸۸)، "بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی و کشورهای منتخب همسایه (ترکیه و پاکستان)"، فصلنامه مدیریت، سال هفتم، شماره ۲۰، صص ۴۱-۲۷.

کوهن، کارل (۱۳۷۸)، "دموکراسی"، ترجمه فریبرز مجیدی، جلد اول، انتشارات خوارزمی.

Akbari, N. (1999), "Development Issues in Iran", Hasht Behesht Publication.

Anand, S. and Sen, A. (1993), "Human Development Index: Methodology & Measurement", Occasional Paper 12, Human Development Report Office, UNDP, New York.

Baltagi, B. H. (2005), "Econometric Analysis of Panel Data", John Wiley & Sons Inc., 3rd Edition, New York, USA.

Beach, W.W. and O'Driscoll, G.P., Jr. (2002), "Explaining the Factors of the Index of Economic Freedom", In G. P. O'Driscoll, Jr., K. R. Holmes, & M. A. O'Grady (Eds.), 2002 Index of economic freedom, pp. 59-77. New York, NY: The Heritage Foundation and Dow Jones & Company, Inc.

Beetham, D. and Boyle, K. (2005), "What is Democracy?", Translated by Naghsh Tabrizi shahram, Qoqnoos Publicatin.

Cohen, C. (1999), "Democracy", translated by Fariborz Majidi, Volume I, Kharazmi publicatin.

Egger, P. And Faffer, M. (2004), "Foreign Direct Investment and European Integration", Austrian Institute of Economic Reaserch.

Farr, W., Lord, R. and WolfenBarger, J.L. (1998), "Economic Freedom, Political Freedom, and Economic Well Being: A Causality Analysis", Cato Journal, 18(2), pp. 247-262.

Freedom House: (2001-2010), "Political Rights

(۱۳۹۰)، "تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)"، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، پاییز، ۱(۴)، صص ۲۲۳-۱۸۳.

سن، آمارتیا (۱۳۸۳)، "توسعه یعنی آزادی"، ترجمه نوری نائینی، محمد سعید، تهران، نشر نی.

شفیعی فر، محمد (۱۳۸۴)، "دموکراسی و عدالت اجتماعی؛ با تأکید بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران"، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲۷، صص ۷۹-۴۹.

شهنازی، روح‌الله (۱۳۸۴)، "تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه"، رساله کارشناسی ارشد اقتصاد، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.

صادقی، حسین؛ ملکی، بهروز؛ عساری، عباس و محمودی،

and Civili Liberties, Country Report", NewYork. www.Freedomhouse .org.

Friedman, M. (2001), "Capitalism and Freedom", Translated by Reza Rashidi, Nay Publication.

Ghaderi, H. (2000), "Political Ideas in the Twentieth Century", Volume I, Nikane Shemiran publication.

Goel , R. and Nelson, M. (2005), "Economic Freedom Versus Political Freedom: Cross Country Influences On Crruption", Australian Economic Paper. University of Adelaide and Flinders

Gwartney, J.D., Lawson, R.A., and Gartzke, E. (2005), "Economic Freedom of the World: 2005 Annual Report", Vancouver, The Fraser Institute.

Held, D. (2005), "Models of Democracy", Translated by Mokhber, A., Roshanganan Publication.

<http://www.UNCTAD.org>

<http://www.undp.org>.

<http://vwww.heritage.org/research/features/index/press.cfm>

<http://www.freedomhouse.org>

<http://www.worldbank.org/>

Human Development Report (2010), UNDP, <http://www.undp.org>.

Johnson, B. Holmes, K. and Melanie, K. (2000),



"Index of Economic Freedom", Translated and summarized by Amin, M., Journal of Budget and Planning, 48, pp. 105-134.

Komeyjany, A. and Salatin, P. (2009), "The Effect of Quality of Good Governance on Economic Growth in Selected Neighboring Countries (Turkey and Pakistan)", Management Journal, 20, pp.27-41.

Madan, A. (2002), "The Relationship between Economic Freedom and Socio-Economic Development", The Park Place Economist, 10, pp. 83-93.

Preece, W. (2004), "Encyclopedia of Democracy", Translated by Moradi, N. Publications of the Ministry of Foreign Affairs.

Ranani, M. (2003), "Social Security and Democracy", Social Security Journal, 2(13), pp.37-60.

Sadeghi, H. Maleki, B. Asari, A. and Mahmoudi, V. (2013), "Fuzzy Analysis of Relationship between Social Trust and Human Development", Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, 3(12), pp. 9-20.

Sameti, M., Ranjbar, H. and Mohseni, F. (2011),

"The Effect of Good Governance Indicators on Human Development Index: the Case of ASEAN Countries", Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research, 1(4), pp.183- 223.

Sen, K.A. (2004), "Development as Freedom", Translated by Raghfar, H., Kavir Publication.

Shafieefar, M. (2005), "Democracy and Social Justice, with Emphasis on the Constitution of the Islamic Republic of Iran", Journal of Strategic Studies, 27, pp. 49-79.

Shahnazi, R. (2005), "The Impact of Economic Freedom on Economic Growth and Per Capita Income", M.A. Thesis, Isfahan University.

Tayyebi, S.K. and Moallemi, M. (2003), "Possibility of Trade Integration among Selected Islamic Countries", Iranian Economic Review, 9, pp. 91-105.

UNDP (2000-2010), "Human Development Report", Human Development Report Office, UNDP, New York.

Zamani, H. (2004), "Democracy & Sustained Economic Development, Case of Iran", Cheaper Book.

Archive